فصلنامه امامت پژوهی
سال دوم ، شماره ۶
صفحه ۵۱ ـ ۲۹

آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام در میراث مکتوب امامی

[محمد کرمانی کجور* / رسول چگینی**]

▪ چکیده

آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام با قید کیفی همگون و همراه با آفرینش نوری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، از موارد کاربرد واژگانی نور در میراث مکتوب اسلامی بوده و داده‌های آن در میراث مکتوب امامی در دو ساحت کلان گزارشهای مأثور و رویکردهای عالمان آن، جلوه‌گر گشته است. گزارش‌های مربوط به این موضوع را ـ که حدیث نور نیز خوانده شده ـ در بسیاری از معتبرترین میراث‌های مکتوب امامی ـ با وجود جریان‌های متنوع حدیثی و کلامی در میان مؤلفان آن‌ها ـ می‌توان مشاهده کرد. تنها مسندهای آن با دست‌کم هجده طریق، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز برخی امامان معصوم علیهم‌السلام قابل دسترسی است که بر پایه معیارهای سنجش اعتبار حدیث، در دستهٔ والاترین گونهٔ حدیثی یعنی «احادیث متواتر» طبقه‌بندی می کردند. در ساحت رویکردهای عالمان امامی در میراث مذکور، علاوه بر همگرایی با ساحت گزارش‌ها، کارکردهایی نیز از آن به ثبت رسیده که از آن جمله می‌توان به کارکردهای تاریخی، کلامی و تفسیری اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: نور؛ امامی؛ امیرالمؤمنین؛ آفرینش نوری؛ میراث مکتوب

---

*. دانش آموخته خارج حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد تاریخ اسلام، مدرس مرکز تخصصی امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام
**. کارشناس ارشد معارف اسلامی، پژوهشگر

■ مقدمه

واژۀ نور در ادبیات ادیان آسمانی سهم به‌سزایی در ساحت داده‌های وحیانی آن‌ها داشته است؛ به‌گونه‌ای که حتی با نگاهی گذرا به ادبیات مکتوب این ادیان،[1] به آسانی رهیافت این واژه و گونه‌های متنوع آن در سطحی گسترده قابل احصاست. اگرچه این گسترۀ وسیع واژگانی در میراث مأثور اسلامی و نیز دشواری خاص مباحث این‌چنینی در مجموعۀ گزاره‌های وحیانی، افق روشنی را فراروی پژوهش‌های این ساحت قرار نداده و پرداخت عالمانه بدان را، در راستای تعریف مفهومی و ارائۀ گونه‌ها و طبقه‌بندی داده‌ها و حتی کارکردهای آن، با کندی و گاه ایستایی، همراه نموده است، اما داده‌های کلان آن ارزش ویژه‌ای دارند؛ تا جایی که دست کم پاره‌ای از داده‌های آن، کارکردهای خاصی را در منظومه دانش‌های اسلامی، رقم زده‌اند.[2]

نوشتار حاضر با توجه به خلأ یاد شده، در راستای ورود منطقی به داده‌های اصیل خود، در گسترۀ نیازمندی نوشتار خویش و بر منطق داده‌های بازیافته در میراث مکتوب اسلامی، ابتدا به کارکرد واژگانی نور از منظر دو گانگی پدیده‌های نوری و نیز تنوع موطنی آن‌ها و سپس سطح فضیلت نمایانی گونۀ مورد نظر آن در منظومه فضایل معصومان علیهم‌السلام می‌پردازد. آنگاه این داده‌های اصیل را در دو ساحت گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام و رویکرد عالمان امامی بدان‌ها، به سامان خواهد رساند.

الف) پاره‌ای از کارکردهای واژگانی نور در میراث مکتوب اسلامی

این واژه در میراث مکتوب اسلامی ـ بر پایۀ کاوش‌های نگارنده ـ دست‌کم در دوگونۀ وجود نوری غیر وابسته[3] مانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله،[4] امام[5] و قرآن[6] که می‌توان نام آفرینش نوری بر آن

---

۱. مثلاً ر.ک: مجمع *الکنائس الشرقیة* ، الکتاب المقدس ، *انجیل* یوحنا،۳۳۱ و اعمال الرسل،۴۳۷.

۲. ر.ک: همین مقاله، بخش رویکرد عالمان امامی.

۳. ر.ک: خواجویی، *جامع الشتات*، ۱۰۸.

۴. کلینی، *کافی*، ۱/ ۱۸۵.

۵. همان، ۱/ ۱۹۴و ۱۹۵.

۶. مائده/ ۱۵؛ اعراف/۱۵۷؛ نساء/ ۱۷۴؛ التغابن/ ۸ .

نهاد و نیز وجود نوری وابسته همچون امامت در امام،[1] نور ولادت امام(ع)،[2] نور اسلام،[3] نور حج،[4] نور نمازگزار در گسترهٔ حیات این جهانی[5] و نور ابوطالب(ع) در قیامت،[6] به کار رفته است. بر این پایه، آفرینش نوری، خود گونه‌ای وجود غیر وابسته است و در میراث مکتوب اسلامی با عباراتی که گویای عدم وابستگی است مانند: «فكنّا نحن خلقا و بشراً نورانيين لم يجعل لأحد في مثل الذي خلقنا منه نصيباً»،[7] «كنت أنا وعلي نوراً بين يدي الله»،[8] در کنار تعابیری چون: **﴿يوم يقول المنافقون والمنافقات للذين آمنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورا﴾**،[9] **﴿والذين آمنوا بالله ورسله أولئك هم الصّدّيقون والشّهداء عند ربّهم لهم أجرهم و نورهم﴾**،[10] **﴿يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعي نورهم بين أيديهم و بأيمانهم﴾**،[11] **﴿والذين آمنوا معه نورهم يسعى بين أيديهم و بأيمانهم يقولون ربّنا أتمم لنا نورنا﴾**،[12] «إن نور أبي طالب يوم القيامة ليطفئ أنوار الخلائق إلا خمسة أنوار»،[13] «الا بشر المشائين في الظلمات إلى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة»[14] و «إن المؤمن ليزهر نوره لأهل السمآء كما تزهر نجوم السمآء لأهل الأرض»[15] که گویای گونهٔ وابسته در کاربرد واژگانی نور می‌باشد، انعکاس یافته است.

۱. کلینی، *کافی*، ۱/ ۱۹۶.
۲. همان، ۱/۳۸۸.
۳. همان، ۱/ ۳۷۶.
۴. برقی، *محاسن*، ۱/ ۷۱؛ کلینی، همان، ۴/ ۲۵۵.
۵. ابو یعلی، مسند، ۶/۳۳۰؛ طبرانی، *معجم الکبیر*، ۱۹/ ۱۴۱؛ ، ابن سلامه، *مسند الشهاب*، ۱/ ۱۱۸.
۶. طوسی، *امالی*، ۷۰۲.
۷. کلینی، *کافی*، ۱/۳۸۹.
۸. راوندی ، *الخرائج والجرائح* ، ۲/ ۸۳۸؛ حلی، *مختصر بصائر الدرجات*، ۱۱۶.
۹. حدید/۱۳.
۱۰. حدید/۱۹.
۱۱. حدید/۱۲.
۱۲. تحریم/۸.
۱۳. قمی، *مائة منقبة*، ۱۷۴؛ کراجکی، *کنز الفوائد*، ۸۰؛ طوسی، *امالی*، ۳۰۵.
۱۴. برقی، *محاسن*، ۱/ ۴۷.
۱۵. حسین بن سعید، *کتاب المؤمن*، ۲۹.

ب: تنوع موطنی پدیده‌های نوری

داده‌هایی که وجودهای نوری غیروابسته را پوشش می‌دهند، تنوعی را از منظر موطن این وجودها نیز انعکاس داده‌اند؛ زیرا برخی از آن‌ها مربوط به وجودی نوری پیش از ظهور این جهانی آن هستند که می‌توان آن را وجود نوری پیشین نامید؛ همچون آفرینش نوری امام.[1] بخشی دیگر نیز وجود نوری کنونی را گزارش می کنند که می‌توان نام وجود نوری جاری بر آن گذارد؛ از جمله امام عصر(ع). با توجه به آنکه امام در میراث مأثور امامی در تعامل با سایرین، نور خوانده شده است[2] و پاره‌ای نیز از برخی وجودهای نوری پس از این جهان[3] خبر می‌دهند، می‌توان این دستهٔ دوم را وجود نوری پسین نام نهاد.

ج: سطح فضیلت نمایی آفرینش نوری

از سوی دیگر با توجه به نمود ویژهٔ فضیلت‌نمایی هر دو گونهٔ وابسته و غیروابسته و برتری نمایان آفرینش غیروابسته بر گونهٔ وابسته و همچنین ملاحظهٔ اینکه برپایهٔ داده‌های موجود، رسول خدا و امامان(ع)، علاوه بر برخورداری از گونهٔ وابسته، از گونهٔ غیروابسته نیز بهره‌مند بوده‌اند، واکاوی سطح فضیلتی آفرینش نوری ایشان، ضروری به‌نظر می‌رسد؛ اگرچه امروزه داده‌های خُرد آفرینش نوری غیروابستهٔ معصومان(ع)، پیش از آفرینش آدم و نیز همگن و همگام با آفرینش نوری رسول خدا(ص)،[4] دشوار و گاه دست نیافتنی می‌نماید، دست کم پاره‌ای از داده‌های کلان آن، از جمله سطح فضیلت‌نمایی، از منظر کمی و نیز کیفی شفاف بوده و سطوحی از بررسی را برمی‌تابد.

بر این اساس به‌نظر می‌رسد، از کلان‌ترین منظر، بر پایهٔ داده‌های منعکس در قرآن و احادیث مأثور معتبر، می‌توان تقسیمی ثنایی از فضایل معصومان(ع) ارائه نمود و آنها را به‌طور مشترک

۱. نک: همین مقاله بخش گزارش‌ها.
۲. کلینی، *کافی*، ۱۹۴/۱و ۱۹۵.
۳. قمی ، *مائة منقبة*،۱۷۴؛ کراجکی، *کنز الفوائد*، ۸۰؛ طوسی، *امالی*، ۳۰۵.
۴. نک: همین مقاله بخش گزارش‌ها.

در میان همه معصومان[۱] یا تعدادی از ایشان[۲] و یا اختصاصی هر معصوم[۳] طبقه‌بندی کرد و آنگاه از قسم نخستین، از زاویهٔ مطالعه تطبیقی با اعضای خارج از این مجموعه، اعم از پیامبران، اوصیای پیشین و سایرین و نیز سطح کیفی این ویژگی‌ها، تقسیمی ثلاثی، باز بر منطق داده‌های انعکاس یافته، ارائه و چنین گزارش نمود:

نخست: فضایل مشترکی که امکان برخورداری سایرین از هیچ سطحی از آن وجود ندارد؛[۴]

دوم: فضایلی که برخی پیامبران پیشین و یا اوصیای آنان از سطحی از آن بهره‌مند بوده‌اند؛[۵]

سوم: فضایلی که برخی از غیر پیامبران و اوصیای ایشان که از برجستگی ایمانی مشهودی برخوردارند، از سطحی از آن بهره‌مندند.[۶]

بر این اساس سطح آفرینش نوری امامان با قید کیفی وحدت[۷] در آفرینش نوری با رسول خدا و یا دست کم، همراهی در آفرینش نوری با آن حضرت و نیز قید کمی پیشگامی چشمگیر بر آفرینش آدم، بر پایه تقسیم اول، در دستهٔ فضایل مشترک معصومان جای گرفته و برپایه تقسیم دوم، سطحی دست‌نیافتنی را رقم زده است؛ اگرچه امکان برخورداری برجستگانی را در سطحی نازل‌تر ـ و البته بدون قید کیفی فوق ـ برمی‌تابد.

نتیجه اینکه برپایهٔ دوگانگی پدیده‌های نوری و تنوع مواطن آن‌ها در داده‌های مأثور و نیز تقسیم طولی ارائه‌شده از فضایل معصومان و بررسی سطوح آن‌ها، می‌توان آفرینش نوری معصومان را آفرینشی غیروابسته، پیشینی و برخوردار از سطحی دست‌نیافتنی، تعریف و طبقه‌بندی نمود.

این نوشتار از میان آفرینش نوری معصومان، نگاه خویش را به‌طور خاص به بررسی آفرینش

۱. به عنوان نمونه می‌توان به گونه خاص ولادت معصومان اشاره نمود (کلینی، *کافی*، ۱/ ۳۸۸).

۲. به‌عنوان نمونه می‌توان از اخوّت رسول خدا و امیرالمؤمنین در دنیا و آخرت یاد کرد که بنا بر برخی از احادیث از آن به‌عنوان خصوصیت انحصاری این دو معصوم یاد شده است (طبری، *بشارة المصطفی*، ۱۲۹).

۳. از جمله می‌توان به ولادت امیرالمؤمنین در کعبه و ورود اعجازگونه مادر ایشان به این مکان مقدس اشاره نمود (صدوق ، *امالی*، ۱۹۵؛ صدوق، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۳۵؛ صدوق، *معانی الأخبار*، ۶۳؛ طبری، *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*، ۲۷؛ قمی، *الفضائل*، ۵۴).

۴. کلینی، *کافی*، ۱/ ۳۸۹.

۵. همچون عصمت حداقلی که لازمه اساس پیامبری و وصایت است.

۶. در این باره می‌توان به آفرینش شیعیان از طینت معصومان، اشاره نمود (کلینی، *کافی*، ۱/ ۳۸۹).

۷. حسینی میلانی، *محاضرات فی الاعتقادات*، ۴۸۲/۲؛ حسینی میلانی، *تفضیل الأئمة علی الأنبیاء*، ۱۳.

نوری امیرالمؤمنین(ع) در گسترۀ میراث مکتوب امامی معطوف کرده است؛ زیرا:

۱ـ ساحت گزارش‌های مأثور آفرینش نوری امیرالمؤمنین(ع) در میراث مکتوب امامی، از گونه‌ای همگرایی با میراث مکتوب اهل سنت برخوردار است؛[۱]

۲ـ تنوع محتوایی گزارش‌های مأثور در آن میراث ـ چنانکه خواهد آمد ـ در راستای اتقان حداکثری آن‌ها محسوس است؛

۳ـ تدوین کامل[۲] و سنجش اعتبار این گزارش‌ها به‌عنوان عرصه‌ای نو شناسایی شده و کارکردهای ویژه‌ای را در ساحت رویکردهای عالمان امامی، به خویش اختصاص داده است.

این تحقیق، همچنین، داده‌ها و یافته‌های خود را نخست در ساحت گزارش‌های مأثور و آنگاه در ساحت رویکرد عالمان امامی، نظام بخشیده است.

▪ گزارش‌ها

گزارش‌های مأثوری که دست‌کم اصل آفرینش نوری امیرالمؤمنین(ع) را پیش از آفرینش این‌جهانی، پوشش داده و داده‌های آن از رسول خدا(ص) و یا امامی معصوم، نشر یافته[۳] و امروزه حدیث نور خوانده می‌شوند،[۴] در حجم وسیعی در میراث مکتوب امامی به گونه مسند[۵] و غیر مسند (حدیث غیر مسند اصطلاحاً در دانش حدیث شناسی مرسل[۶] شمرده می‌شود) انعکاس یافته‌اند که با توجه به رویکرد این نوشتار، تنها آن بخش از این میراث

---

۱. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. میرحامد حسین، در *عبقات الانوار*، بر حسب نیاز علمی خویش، تدوینی کتاب‌شناسانه و ناقصی از طرق گزارش‌های مورد نظر در میراث مکتوب امامی ارائه نموده که در آغاز بخش گزارش‌های همین مقاله، به‌طور مختصر بدان پرداخته شده است.

۳. در دانش «مصطلح الحدیث» حدیث مرفوع نامیده شده و چنین تعریف می‌گردد: «ما أضیف إلی المعصوم من قول أو فعل أو تقریر، یأی وصل آخر السند إلیه، سواء اعتراه قطع أو إرسال فی سنده أم لا، فهو خلاف الموقوف» (غفاری، *دراسات فی علم الدرایة* ، ۳۷). ناگفته نماند معنای دیگری نیز از مرفوع در این دانش وجود دارد که در دسته مرسل جای دارد و استعمال این معنا در فقه رایج است؛ اگرچه اصطلاح نخست در دانش حدیث بیشتر رواج دارد (همان).

۴. میلانی، *نفحات الأزهار*، ۵/ ۲۴؛ طهرانی، *الذریعة*، ۱۵/ ۲۱۵؛ عاملی، *الانتصار*، ۶/ ۸۵.

۵. سبحانی، *دروس موجزة فی علمی الرجال والدرایة*، ۱۷۷؛ بروجردی، *طرائف المقال*، ۲۵۱.

۶. عاملی، *الرعایة فی علم الدرایة*، ۱۳۶؛ جدیدی‌نژاد ، *معجم مصطلحات الرجال والدرایة*، ۱۵۵.

کـه به انعکاس مسـند آن اهتمام ورزیـده، مورد نظر قرار گرفتـه و به‌طور خاص گزینش گزارش‌های مأثور و مسند آن، در دستور کار بوده است؛ گزارش‌های مسندی که به‌تنهایی حجم درخوری را به خود اختصاص داده‌اند و در بسیاری از میراث‌های معتبر امامیه از سوی عالمان برجسته‌ای چون محمدون ثلاث،[1] از سـال‌های آغازین تدوین میراث‌های حدیثی، جایگاه خویش را در مجموعهٔ میراث مکتوب امامی بازیافته‌اند.

گفتنی است در ساحت محتوای گزارش‌های گزینش‌شده، اگرچه همگی تصریح دارند و در دلالت بر آفرینش نوری آن حضرت، اصطلاحاً از نصوص[2] به‌شمار می‌روند، تنوع محسوسی از منظر سطح پوشش در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ زیرا پاره‌ای از آن‌ها، آفریش نوری رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام را پوشش می‌دهند؛ مانند: «خلقت أنا وعلي بن أبي طالب من نور واحد نسبح الله يمنة العرش قبل أن يخلق آدم بألفي عام»[3] و غالب گزارش‌های نبوی این ساحت، از این دست می‌باشند؛[4] تعدادی آفرینش امیرالمؤمنین علیه السلام را در جمع خمسه طیبه معرفی می کنند؛ همچون: «إن الله عز و جل خلقني و علياً و فاطمة و الحسن و الحسين قبل أن يخلق الدنيا بسبعة آلاف عام»؛[5] برخی نیز در مجموعه کامل معصومان علیهم السلام انعکاس داده‌اند؛ همانند:

> « والـذي بعث محمداً بالحق نبياً، إن نور أبي طالب يوم القيامة ليطفئ أنوار الخلق إلا خمسة أنوار : نور محمد، و نوري ، و نور فاطمة، و نوري الحسن و الحسين و من ولده من الأئمة، لان نوره من نورنا الذي خلقه الله عز وجل من قبل خلق آدم بألفي عام.»[6]

ناگفتـه نماند در فضای آفرینش نوری معصومـان علیهم السلام، گزارش‌هایی نیز در پاره‌ای از جوامع حدیثـی اولیهٔ امامی یافت می‌شـود که علاوه بر گویایی آن‌ها نسـبت بـه آفرینش نوری،

۱. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. برای تعریف «نص» ر.ک: حکیم، *الأُصول العامة للفقه المقارن*، ۱۰۲.

۳. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۳۵.

۴. محتوای تمامی و یا دست کم اکثر قریب به اتفاق گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه السلام در میراث مکتوب اهل سنت، از این دست می‌باشد (ر.ک: همین مقاله، پایان بخش گزارش‌ها).

۵. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۲۰۹.

۶. طوسی، *امالی*، ۳۰۵.

داده‌هایــی را از کیفیت آفرینش نوری معصومــان علیهم‌السلام با عباراتی چون: «خلقنا الله من نور عظمته ثم صور خلقنا من طينة مخزونة مكنونة من تحت العرش فأسكن ذلک النور فيه» انعکاس می‌دهند[1] که اگرچه در طبقه‌بندی مرحوم میرحامد حســین(متوفای ۱۳۶۰ هـق)[2]، از زمره احادیث نور، در میراث مکتوب امامی شــمرده شــده‌اند،[3] اما وقتی به احادیث نور در میراث مکتوب اهل سنت می‌پردازد، آن‌ها را کنار احادیثی همچون حدیث «شجره»، خارج از مجموعۀ احادیث نور لحاظ می‌کند؛ هرچند از آن‌ها به‌عنوان تأیید احادیث نور چشم‌پوشی نشده است.[4] مرحوم کلینی نیز نمونه‌ای از آن‌ها را، در فضای حدیث نور سامان نداده؛ بلکه پیش از آن و در باب «خلق أبدان الأئمة و أرواحهم و قلوبهم علیهم‌السلام» از کتاب الحجة چینش نموده است.[5]

همچنین برخی گزارش‌ها از واژۀ نور تهی بوده و تنها وجود امیرالمؤمنین علیه‌السلام و نیز همراهی ایشــان با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش از حیات این جهانی را پوشش می‌دهند؛ مانند طریق نصر بن مالک از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که با متن «كنت أنا و علي عن يمين العرش نسبح الله قبل أن يخلق آدم بألفي عام»[6] منعکس شده است که اگرچه میرحامد حسین، دو گزارش از این دست را در مجموعه احادیث نور جای داده اســت،[7] اما به دلیل فقــدان واژۀ نور، از ضمیمۀ آن‌ها در مجموعه گزارش‌های مسند آفرینش نوری اجتناب نموده‌ایم.

در مورد کتاب‌شناسی و نیز جایگاه‌شناسی این گزارش‌های مسند نیز باید گفت که در میان میراث مکتوب امامی، جوامع حدیثی اولیه، نخســتین نمود شــایان‌تر این گزارش‌ها بوده‌اند و به نظر می‌رســد در این میان، کهن‌تریــن و معتبرترین میراث مکتوبی که امروز انعکاس بسیاری از این گزارش‌های مسند را می‌توان در آن به نظاره نشست، *بصائرالدرجات* اثر صفار،

---

۱. صفار، *بصائرالدرجات*، ۴۰؛ کلینی، *کافی*، ۳۸۹/۱.
۲. طهرانی، *الذریعة*، ۲۱۴/۱۵
۳. حسینی میلانی، *نفحات الأزهار*، ۵/ ۱۴۸.
۴. همان، ۵/ ۱۳۵.
۵. کلینی، *کافی*، ۳۸۹/۱.
۶. طوسی، *امالی*، ۱۸۳.
۷. ر.ک: حسینی میلانی، *نفحات الأزهار*، ۵/ ۱۴۳.

الکافی اثر کلینی و دو *امالی* آثار شیخ صدوق و شیخ طوسی[1] می‌باشند؛ اگرچه برخی از آنها در کتاب منسوب به سلیم بن قیس هلالی[2] ـ از اصحاب امیرالمؤمنین(ع)[3] ـ و اصل ابوسعید[4] (متوفای ۲۵۰ق)[5] نیز یافت می‌شوند.

صفار، در قرن سوم، طریقی از آن‌ها را منعکس نمود و کلینی، در اوایل قرن چهارم، علاوه بر انعکاس طریق صفار، چهار طریق از آن‌ها را برای کتاب خویش برگزید. ابن بابویه نیز هم‌زمان با کلینی طریقی از آن را در *الامامة و التبصرة*، به ثبت رساند و شاید مقارن کلینی و ابن بابویه بود که ابن جریر طبری در *المسترشد* به ارائه طریقی نو همت نهاد. پس از ایشان، صدوق در *خصال*، *امالی*، *کمال الدین*، *معانی الاخبار* و *علل الشرائع*، به ارائه هشت طریق ـ که تنها یکی از آنها با طرق پیشین یکسان بود ـ پرداخت. هم‌زمان با وی خزاز، شاگرد صدوق[6] نیز در *کفایة الاثر*، طریق جدیدی بر مجموعه گزارش‌های مسند فوق افزود؛ سپس ابن شاذان در *مائة منقبة* و کراجکی در *کنز الفوائد*، طریق دیگری ارائه و شیخ طوسی نیز چهار طریق را در *امالی* خویش بر شاگردان املا نمود که دو طریق از آن میان، منحصر به فرد بود. بالاخره طریق جدید دیگری را طبری ـ مؤلف *بشارة المصطفی* ـ به این مجموعه افزود[7] که با توجه به تنوع این منابع از جهت گرایش‌های مختلف حدیثی و کلامی مؤلفان آن‌ها، می‌توان شیوع و نیز عدم اختصاص گزارش‌های آفرینش نوری را به یک منطقه جغرافیایی و یا یک گرایش خاص درون امامی، استفاده نمود. محدودهٔ زمانی ارائه و ثبت طریق جدید تا ربع اول قرن ششم ـ که می‌توان از آن به دورهٔ تولید یاد کرد ـ ادامه یافت و بر همین اساس به‌نظر می‌رسد نویسندگان امامی پس از این دوره، به انعکاس طرق پیشین

---

۱. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

۲. ر.ک: سلیم بن قیس، *کتاب سلیم*، ۱۹۶ و ۳۷۹.

۳. طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ۱/ ۳۲۱.

۴. ابوسعید، «اصل ابوسعید»، *مجموعه الأصول الستة عشر*، ۱۵. اعتبار اصل ابوسعید نیز برای نگارنده ـ دست‌کم به جهت ضعف ابو سمینه در طریق اصل مذکور ـ احراز نشده است (ر.ک: نجاشی، *رجال*، ۲۹۳)؛ اگرچه تلاش‌هایی در راستای اعتبار آن نیز به‌عمل آمده است (ر.ک: نوری، *خاتمة المستدرک*، ۱/ ۵۵ ـ ۵۸).

۵. بخاری، *تاریخ الصغیر*، ۲/ ۳۶۰؛ همو، *تاریخ الکبیر*، ۶/ ۴۴.

۶. طهرانی، *الذریعة*، ۱/ ۲۹۸، ۲/ ۳۱۲، ۲/ ۴۸۹ و ۱۸/ ۸۷.

۷. ر.ک: بخش گزارش‌های همین مقاله.

اکتفا نموده باشند.[1]

در مـورد جایگاه شناسـی و موطن ایـن گزارش‌ها در مجموعهٔ میـراث مکتوب امامی نیز باید گفت: این گزارش‌ها ـ در این میراث ـ بیشـتر در فضای فضایل‌نویسـی رسول خدا[2] ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام،[3] منقبت‌نویسـی،[4] معجزه‌نگاری و[5] تاریخ معصومان علیهم‌السلام[6] و گاه نیز به‌گونهٔ متفرق[7] ارائه شده و رهیافت آن در فضاهای تخصصی دو دانش کلام[8] و تفسیر[9] نیز انعکاس دیگری در این میراث به شمار می‌آید.

چنان‌که گفته شد پس از ربع اول قرن ششم، ارائهٔ طرق جدید از گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام متوقف گشـته و روایت پاره‌ای از گزارش‌های پیشین، با همان اسناد و یا اسـنادی دیگر، سـهم عمدهٔ پرداخت عالمان بدان ـ در هفت قرن پس از آن تا اواسط قرن سـیزدهم ـ بوده اسـت؛ بدون آنکه تک‌نگاری را در این میراث به خود اختصاص دهد و یا دسـت‌کم همه و یا بیش‌تر طرق و اسـناد آن، حتی در بخشی از یک میراث، جمع آوری و تدوین گردد؛ تا آنکه میرحامد حسین لکنهوی در راستای پاسخ علمی به تعجب ابن روزبهان از علامه حلی (مبنی بر اینکه تمام احادیثی که بدان استناد نموده از اهل سنت بوده؛ چون کتاب و عالمی در میان شیعیان یافت نمی‌شود و علامه حلی در اثبات مدعای خود عیال اهل

۱. طبرسی، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، ۱۷۱/۲؛ راوندی، *الخرائج والجرائح*، ۸۳۸/۲؛ ابن طاووس، *الیقین*، ۲۲۷؛ حویزی، *نور الثقلین*، ۴/ ۴۳۹.

۲. ابن بابویه، *خصال*، ۶۴۰؛ عاملی نیز در راستای معناشناسی بشری بودن رسول خدا ﷺ از این گزارش‌ها بهره برده است (ر.ک:عاملی، *انتصار*، ۲۲۵/۴). برای نمونه در میان اهل سنت نیز ر.ک: صالحی شامی، *سبل الهدی والرشاد*، ۱/ ۶۹.

۳. اربلی، *کشف الغمة*، ۱/ ۲۹۲؛ ابن مطهر، *کشف الیقین*، ۱۱؛ مرعشی، *شرح إحقاق الحق*، ۵ /۱؛ از اهل سنت نیز ر.ک: خوارزمی، *مناقب*، ۱۴۵؛ ابن دمشقي، *جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی* علیه‌السلام ۱/ ۶۱ .

۴. قمی، *مائة منقبة*، ۱۷۴.

۵. راوندی، الخرائج والجرائح، ۸۳۸/۲ .

۶. کلینی، *کافی*، ۴۴۰/۱.

۷. نـوری، *نفس الرحمن فی فضائل سـلمان*، ۴۳۴. وی پـاره‌ای گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام را منعکس نموده است.

۸. ر.ک: طبری، *دلائل الامامة*، ۵۷؛ ابن البطریق، *العمدة*، ۹۱؛ ابن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ۱۵.

۹. ر.ک: فرات کوفی، *تفسیر*، ۵۵۲ ؛ مشهدی، *تفسیر کنز الدقائق*، ۵۲۴/۲ ؛ فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ۲۰/۴.

سـنت می‌باشد)،[1] گامی نو به این وادی نهاد و با پرداختی ستودنی، به جمع‌آوری و چینش تعدادی از گزارش‌های مأثور آفرینش نوری امیرالمؤمنین﷣ در میراث مکتوب امامی دست یازید؛ اما با صرف نظر از عدم تعهد ایشان نسبت به ارائهٔ تمامی طرق[2] ـ که براساس آن عدم ارائه برخی طرق، توجیه پذیر گشته است[3] ـ رویکرد غالب بر فضای آن نیز، کتاب‌شناسانه و البته غیر تام بوده است.[4] برخی گزارش‌های آن نیز اساساً در منبع مورد نظر ایشان، مسند نبوده[5] و گویا چنین رویکردی را نیز اساساً در نظر نداشته است. همچنین در بیشتر موارد، از اسناد و نیز گاه حتی از راوی متصل به معصوم، سخنی به میان نیامده و به عبارت «بسنده»، از آن یاد نموده اسـت.[6] در پاره‌ای موارد نیز طرقی را که فاقد واژهٔ نور بوده و تنها از وجود معصومان پیش از حیات این جهانی و نه آفرینش نوری ایشان، سخن گفته‌اند، در مجموعه گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین﷣ ارائه نموده است.[7]

به‌نظـر می‌رسـد، الگو و چیدمان مناسـبی در جمع و چینش گزارش‌هـای آفرینش نوری امیرالمؤمنین﷣ ـ در راسـتای تأمین پاره‌ای از غرض‌های یادشـده در آغاز مقاله؛ از جمله جمع‌آوری مسانید و نیز بررسی سنجش اعتبار آن‌ها ـ نبوده و شیوه‌ای غیر از آنچه میرحامد حسین، ارائه نموده، ضروری می‌نماید.

برپایه آنچه گفته شـد، ابتدا نگاهی آماری از دورنمای گزارش‌های مسند مورد نظر، ارائه و پس از آن به نمونه‌هایی از آن پرداخته خواهد شد.

در نگاهی آماری، داده‌های مسند به‌دست آمده در میراث مکتوب امامی، دست کم با هجده

---

۱. حسینی میلانی، *نفحات الأزهار*، ۵/ ۱۵۲.
۲. همان، ۵/ ۱۴۱.
۳. از جمله ایشان طریق مرازم از امام صادق﷣ را ارائه ننموده است (ر.ک: کلینی، *کافی*، ۱/ ۴۴۰).
۴. از بسیاری از میراث مکتوب امامی از جمله *بصائرالدرجات*، *معانی الاخبار*، *کفایة الاثر*، *کنزالفوائد*، *المسترشد* و *بشارة المصطفی*، در این مجموعه یادی نشده است.
۵. از جمله سند ابن حجام و سند فرات کوفی (میلانی، *نفحات الأزهار*، ۱۴۴/۵).
۶. همان، ۵/ ۱۴۲ـ ۱۴۹. البته این احتمال وجود دارد که در تلخیص *عبقات الانوار*، اسناد حذف شده باشند.
۷. ایشان طریقی از مفضل و همچنین از محمد بن سنان ارائه نموده که از واژه نور تهی می‌باشد (همان، ۱۴۳/۵)؛ در صورتی که چنان که خواهد آمد، صدوق در *کمال الدین*، ابن شاذان در *مائة منقبة*، کراجکی در *کنزالفوائد* و طوسی در *امالی*، طریق مفضل با واژه نور را گزارش کرده‌اند.

طریق مستقل از معصومان﷩ قابل مشاهده است که از آن میان، طرق ابوذر،[۱] سلمان،[۲] جابر بن عبدالله،[۳] انس بن مالک،[۴] معاذ بن جبل[۵] و واثلة بن أسقع[۶] به رسول خدا ﷺ، طریق اصبغ بن نباته[۷] به امیرالمؤمنین﷣، طریق عبدالله به امام مجتبی﷣،[۸] طریق ابوحمزه[۹] به امام زین‌العابدین﷣، طریق جابر بن یزید[۱۰] به امام باقر﷣، طرق محمد بن حرب هلالی،[۱۱] فضل بن ربیع،[۱۲] مرازم،[۱۳] محمد بن مسلم،[۱۴] شهاب بن عبد ربه،[۱۵] احمد بن علی[۱۶] و مفضل بن عمر،[۱۷] به امام صادق﷣ و طریق عیسی بن احمد[۱۸] به امام هادی﷣ ختم می‌شود.

شایان ذکر است که با توجه به حجم گستردهٔ طرق مسند یادشده و پرهیز از طولانی شدن نوشتار، تنها پنج نمونه ـ که در گزینش آن‌ها همگرایی با میراث مکتوب اهل سنت و نیز تنوع پوششی سه‌گانه‌ای که پیش‌تر بدان اشاره شد، لحاظ گشته ـ ارائه می‌گردد که به ترتیب عبارتند از: سه طریق ابوذر، سلمان و معاذ از رسول خدا ﷺ، طریق ابوحمزه از امام سجاد﷣ و طریق مفضل از امام صادق﷣.

---

۱. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۳۵؛ همو، *معانی الأخبار*، ۵۶؛ طبری، *بشارة المصطفی*، ۳۶۱.

۲. طبری، *المسترشد*، ۶۲۹؛ راوندی، *الخرائج والجرائح*، ۸۳۸/۲؛ حلی، *مختصر بصائر الدرجات*، ۱۱۶؛ ابن بطریق، *خصائص الوحی المبین*، ۹۵.

۳. طبری، *بشارة المصطفی*، ۲۹۲.

۴. طوسی، *امالی*، ۱/ ۲۰۴ و ۳۵۴.

۵. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۲۰۹/۱؛ طبری، *نوادر المعجزات*، ۸۱.

۶. خزاز ،*کفایة الأثر*، ۱۰۹.

۷. ابن بابویه،*کمال الدین*، ۶۶۹.

۸. همو، *خصال*،۶۴۰؛ طوسی، *امالی*، ۳۰۵.

۹. کلینی،*کافی*، ۱/ ۵۳۱؛ صدوق،*کمال الدین*، ۳۱۹؛ طبرسی، *إعلام الوری*، ۲/ ۱۷۱.

۱۰. کلینی، همان، ۱/ ۴۴۲.

۱۱. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۷۴؛ صدوق، ، *معانی الأخبار*، ۳۵۱.

۱۲. طبری، *دلائل الامامة*، ۵۷؛ ابن طاووس، *الیقین*، ۲۲۷.

۱۳. کلینی،*کافی*، ۱/ ۴۴۰.

۱۴. ابن بابویه،*الإمامة والتبصرة*، ۱۳۲.

۱۵. قمی، *تفسیر*، ۲۲۸/۲؛ حویزی، *نور الثقلین*، ۴/ ۴۳۹.

۱۶. کلینی،*کافی*، ۱/ ۴۴۲.

۱۷. صدوق،*کمال الدین*، ۳۳۵؛ ابن شاذان، *مائة منقبة*، ۱۷۴؛ کراجکی،*کنز الفوائد*، ۸۰، طوسی،*امالی*، ۳۰۵ و۷۰۲.

۱۸. طوسی، *امالی*، ۳۳۲/۱.

طریق ابوذر: شیخ صدوق این گزارش را از طریق ابوذر از رسول خداﷺ با این متن انعکاس داده است:

«سمعت رسول اللهﷺ، وهو يقول: خلقت أنا وعليّ بن أبي طالب من نور واحد نسبح الله يمنة العرش قبل ان يخلق آدم بألفي عام...».[1]

طریق سلمان: ابن بطریق، با سلسلهٔ راویان خود، گزارش سلمان از رسول خداﷺ را در مورد آفرینش نوری امیرالمؤمنینؑ چنین منعکس می‌کند:

«كنت أنا وعليّ نوراً بين يدي الله عزّ وجلّ، يسبّح الله ذلك النور و يقدسه قبل أن يخلق الله آدم بألف عام».[2]

اگر چه گزارش‌های نبوی و مسند آفرینش نوری رسول خداﷺ و امیرالمؤمنینؑ در میراث مکتوب اهل سنت ـ دست کم ـ از طریق سلمان با دو متن:

«كنت أنا وعلي نورا بين يدي الله عز وجل قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام فلما خلق الله آدم قسم ذلك النور جزئين؛ فجزء أنا و جزء علي»[3] و «كنت أنا و علي نورا بين يدي الله مطيعا يسبح الله ذلك النور و يقدسه قبل أن يخلق ادم بأربعة عشر ألف عام فلما خلق الله آدم، ركز ذلك النور في صلبه فلم نزل في شيء واحد حتّى افترقنا في صلب عبد المطلب فجزء أنا وجزء علي»،[4]

و از طریق ابوذر با متن: «خلقت أنا وعلي من نور واحد و كنّا عن يمين العرش قبل أن يخلق الله آدم بألفي عام»[5] و از طریق ابن عباس با محتوایی مشابه[6] انعکاس یافته[7] و عالمان

۱. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۳۴.

۲. طبری، *المسترشد*، ۶۲۹؛ راوندی، *الخرائج والجرائح*،۸۳۸/۲؛ حلی، *مختصر بصائر الدرجات*،۱۱۶ ؛ ابن بطریق، *خصائص الوحی المبین*، ۹۵.

۳. احمد بن حنبل، *فضائل الصحابة*، ۲/ ۶۶۲ ؛ ابن شهردار، *الفردوس بمأثور الخطاب*، ۳/ ۲۸۳ ؛ خوارزمی، *مناقب*، ۱۴۵؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ۴۲/ ۶۷؛ عاصمی، *سمط النجوم العوالی*، ۳/ ۶۷.

۴. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*،۴۲/ ۶۷.

۵. ابن جوزی، موضوعات، ۱/ ۳۴۰.

۶. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*،۴۲/ ۶۷.

۷. میرحامد حسین، هشت طریق از اهل سنت به همراه کتابشناسی آن ارائه کرده است (ر.ک: میلانی، *نفحات الأزهار*، ۵/ ۱۹ـ ۲۴). عاملی نیز ده کتاب از اهل سنت را دراین باره برشمرده است (عاملی، *انتصار*/۶/ ۸۵).

معدودی از اینان بر پایهٔ این گزارش‌ها، اقرب الناس بودن امیرالمؤمنین﷣ به رسول خداﷺ را مطرح کرده‌اند،[1] اما عالمان اهل سنت معمولاً رویکرد شایسته‌ای به آن‌ها نداشته و حتی برخـی مانند: ابن جوزی،[2] ابن روزبهان،[3] ذهبی،[4] شـوکانی[5] و دهلـوی[6] رویکردی انتقادی به این گزارش‌ها از خود به ثبت رسـانده‌اند و چالش‌های علمی آن نیز از سوی عالمان امامی ارائه گردیده است.[7]

طریق معاذ بن جبل: شـیخ صدوق با سلسلهٔ راویان خود این گزارش را از رسول خداﷺ به واسطهٔ معاذ بن جبل ـ که در آن از داده‌های خُردتر آفرینش نوری نیز سخن به میان آمده است ـ چنین انعکاس داده است:

«إن الله عزّ وجلّ خلقني وعليّاً وفاطمة والحسن والحسين قبل أن يخلق الدنيا بسبعة آلاف عام. قلت فأين كنتم يا رسول؟ قال: قدام العرش نسبّح الله تعالى ونحمده ونقدّسه ونمجده.

قلت: على أي مثال؟ قال: أشباح نور حتى إذا أراد الله عز وجل أن يخلق صورنا صيرنا عمود نور.»[8]

طریق ابی حمزه: کلینی﷫ صدوق﷫ و طبرسـی این گزارش را با سلسلهٔ کامل راویان از طریق ابوحمزه از امام سجاد﷣ با این متن انعکاس داده‌اند:

«إن الله خلق محمداً وعلياً وأحد عشر من ولده من نور عظمته ، فأقامهم

۱. خوارزمی، *مناقب*، ۱۴۵؛ ابن دمشقی، *جواهر المطالب*، ۱/ ۶۱.

۲. ابن جوزی، *موضوعات*، ۱/ ۱۴.

۳. حسینی میلانی، *نفحات الأزهار*، ۱۶۴/۵.

۴. ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۴/ ۵۲۳.

۵. شـوکانی، *فوائدالمجموعة*، ۳۶۸. عبدالرحمن عوض، محقق کتاب شوکانی نیز از گزارش‌های مأثور آفرینش نوری با عباراتی چون «فکرَة مسیحیة» ـ و اینکه مسیحیت نیز در این اندیشه، وامدار ادیان وثنی است ـ یاد نموده و آنها را با آیاتی که بشـری بودن رسـول خداﷺ را با گونه‌ای حصر بیان می‌نمایند، در تعارض یافته است (همان).

۶. حسینی میلانی، *نفحات الأزهار*، ۱۳/۵و ۱۴.

۷. جلد پنجم *نفحات الأزهار*، نمونه‌ای است که تلاش عالمانه میرحامد حسین در پاسخ به این رویکرد را بازگو می‌کند.

۸. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۲۰۹.

أشباحا في ضياء نوره يعبدونه قبل خلق الخلق، يسبّحون الله ويقدّسونه وهم الأئمة من ولد رسول الله ﷺ».[1]

طریق مفضل بن عمر: شیخ طوسی این گزارش مسند را با ذکر سلسله راویان به واسطهٔ مفضل از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر و اجداد معصومش علیهم السلام و در نهایت از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین منعکس می‌نماید:

«والذي بعث محمداً ﷺ، إن نور أبي طالب يوم القيامة ليطفئ أنوار الخلق إلا خمسة أنوار: نور محمد ﷺ و نوري و نور فاطمة و نور الحسن و الحسين و من ولده من الأئمة ، لأنّ نوره من نورنا الذي خلقه الله (تعالى) من قبل أن يخلق آدم بألفي عام.»[2]

توجه به این نکته خالی از لطف نخواهد بود که عددهای موجود در برخی گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه السلام ـ که از هزار سال[3] تا چهارده هزار سال[4] پیش از آفرینش آدم را نشان می‌دهند ـ از منظر ادبی تاب حمل بر معنای کثرت و فقدان خصوصیت عددی را دارا هستند؛ چنانکه امروزه نیز در فضای محاورات، چنین منطقی بسیار رواج دارد.

در پایان بخش گزارش‌ها در مورد سنجش گزارش‌های منعکس در میراث مکتوب امامی هم باید بگوییم که بر پایهٔ دانش حدیث‌شناسی در سنجش اعتبار گزارش‌ها، حدیثی این چنین که هجده طریق را در طبقهٔ نخست و نیز وفور راویان را در سایر طبقات به سامان رسانده باشد، همچون حدیث غدیر،[5] در والاترین گونهٔ حدیثی طبقه‌بندی می گردد و قطعیت صدور آن از معصوم ـ و نه یک معصوم خاص ـ را نتیجه می‌دهد و در اصطلاح این دانش، متواتر معنوی خوانده می‌شود[6] و بدین جهت از بررسی توثیق و تضعیف راویان بی‌نیاز است؛

---

۱. کلینی، *کافی*، ۱/ ۵۳۱؛ ابن بابویه، *کمال الدین*، ۳۱۹؛ طبرسی، *إعلام الوری*، ۲/ ۱۷۱.

۲. طوسی، *امالی*، ۷۰۲.

۳. ابن بطریق، *خصائص الوحی المبین*، ۹۵.

۴. کلینی، *کافی*، ۱/ ۴۴۲.

۵. مفید، *رسالة فی معنی المولی*، ۸؛ موسوی هندی، *إفحام الأعداء والخصوم*، ۱۹. در میان عالمان اهل سنت، محمد جعفر الکتانی نیز حدیث غدیر را متواتر معرفی نموده است (کتانی، *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، ۱۹۴).

۶. مامقانی، *مقباس الهدایة*، ۱/۸۰.

زیرا فراوانی راویان که عامل کمّی بسیار مهمی در گونه متواتر است، نشان‌دهندهٔ قطعیت و یا دست‌کم اطمینان به صدور و نوعی استحاله تواطؤ و توافق بر کذب است.

▪ رویکرد عالمان امامی

عــلاوه بر انعکاس گزارش‌های آفرینش نــوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام در میراث مکتوب امامی، رویکردهای عالمان امامی نیز به این گزارش‌ها درخور توجه اســت. این رویکرد که همواره اثباتی بوده و به‌نظر می‌رسد با فراغت از اعتماد وثیق سندی صورت پذیرفته باشد، بیشتر در قالب کارکردهای تاریخی، تفسیری و کلامی رخ نمایانده است.

کارکرد تاریخی

این کارکرد که می‌توان آن را از منظر کمی کارکرد شــایعی از احادیث نور در رویکرد عالمان امامی دانست ـ و حتی به‌نظر می‌رسد کارکرد رایج پاره‌ای از این گزارش‌ها در میراث مکتوب اهل ســنت نیز ارائهٔ بخشــی از تاریخ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد ـ[1] در پرداخت تاریخی به زندگانی رســول خدا[2] صلی‌الله‌علیه‌وآله و یا معصومین علیهم‌السلام، به عنوان بخشــی از تاریخ، نمــود می‌یابد. کلینی رحمه‌الله آن را بــا عنوان «ابواب التاریــخ» در کتاب *کافی* انعکاس داده اســت.[3] همچنین پاره‌ای از این گزارش‌ها، ماده‌ای برای تاریخ نگاری به شــمار رفته‌است؛[4] همچنان که حلبی[5] کارکرد این‌چنینی را برای گزارش‌های آفرینش نوری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ثبت رسانده و تاریخ‌نگارانی چون طبری،[6] مسعودی[7] و ابن اثیر،[8] از وقایع مربوط به پیش از آفرینش آدم علیه‌السلام به‌عنوان مادهٔ

---

۱. ابن حنبل، *فضائل الصحابة*، ۲/ ۶۶۲؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ۴۲/ ۶۷؛ عاصمی، *سمط النجوم العوالی*، ۳/ ۶۷؛ عجلونی، *کشف الخفاء*، ۱۳۰/۲.

۲. کلینی، *کافی*، ۱/ ۴۴۰.

۳. همان.

۴. ابن شهرآشوب، *مناقب آل أبی طالب* علیهم‌السلام، ۱/ ۲۷.

۵. حلبی، *سیرة الحلبیه*، ۱/ ۴۸.

۶. نک: طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ۱/ ۲۱.

۷. مسعودی، *مروج الذهب*، ۱/ ۳۸.

۸. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ۱/ ۱۶.

تاریخی در تاریخ‌نگاری خویش بهره برده‌اند.

کارکرد کلامی

این کارکرد، در محدودهٔ میراث مکتوب کلام امامیه ـ در ساحت کلام نقلی ـ با توجه به انعکاس برخی طرق آن در میراث مکتوب اهل سنت و عمدتاً در راستای اثبات برخی باورهای مربوط به ساحت امامت مانند: افضلیت همگانی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله،[1] شایستگی جانشینی بلافصل آن حضرت،[2] الهی بودن مسألهٔ امامت،[3] ثبوت امامت الهی بلافصل برای امیرالمؤمنین[4] علیه‌السلام از راه ملازمه اعلمیت، افضلیت و عصمت با امامت[5] و حتی به جهت ذیل برخی گزارش‌های آفرینش نوری، در وصایت پیش از عالم،[6] رخ نمایانده است. بر پایه کاوش‌های ما، طرق و اسناد ارائه شده، منحصر و یا دست‌کم با تأکید بر میراث اهل سنت و در راستای استناد فرا مذهبی، گزینش و ارائه شده است و به نظر می‌رسد علاوه بر گویایی منطقی آن در ساحت کلام، بن‌مایه‌های خود را از احتجاج کلامی برخی امامان معصوم علیهم‌السلام در برتری امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر خلفا،[7] دریافت کرده است.

در میان متکلمان امامی، می‌توان به علامه حلی اشاره نمود؛ وی در پرداخت به امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، پس از طرح مستندهای عقلی مسأله و نیز ارائهٔ آیات هشتاد و چهارگانه قرآنی، آنگاه که به بخش «تعیین إمامة علی علیه‌السلام بالسنة» می‌رسد، نخستین داده‌های خود را در این ساحت، به گزارش‌های آفرینش نوری آن حضرت اختصاص می‌دهد و کارکردی در راستای تعیین امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌بیند.[8] سید هاشم بحرانی در کنار کارکرد کلامی

---

۱. عاملی، *انتصار*، ۶/ ۸۵.

۲. ابن جبر، *نهج الإیمان*، ۳۹۲.

۳. بحرانی، *غایة المرام*، ۱/ ۱۱۳؛ میلانی، *الشوری فی الإمامة*، ۹؛ میلانی، *محاضرات فی الاعتقادات*، ۲/ ۵۲۷ .

۴. حسینی میلانی، *الشوری فی الإمامة*، ۹.

۵. همو، *نفحات الأزهار*، ۱۱/۵.

۶. همو، *الشوری فی الإمامة*، ۱۰.

۷. کلینی، *کافی*، ۴۴۲/۱؛ ابن بابویه، *علل الشرائع*، ۱/ ۱۷۴؛ صدوق، *معانی الأخبار*، ۳۵۱ ؛ فرات کوفی، *تفسیر*، ۲۵۵ ؛ طوسی، *امالی*، ۵۰۳.

۸. ابن مطهر، *نهج الحق و کشف الصدق*، ۲۱۲؛ مرعشی، *شرح احقاق الحق*، ۷/ ۳۹۰.

مربوط به مباحث امامت،[1] با استفاده از طفیلی بودن آفرینش سایر موجودات در نسبت با خمسه طیبه، از گزارش‌های مورد نظر[2] کارکردی هستی‌شناسانه نیز از گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه السلام به ثبت رسانده‌است.

کارکرد تفسیری

جلوه‌گاه کارکرد تفسیری گزارش‌های آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در تفسیرنگاری عالمان امامی، درخور توجه است. برخی از اینان، ذیل بعضی آیات با ضمیمه ساختن پاره‌ای گزارش‌های مأثور آفرینش نوری رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام، کارکردی تفسیری را نمایان ساخته‌اند؛ از جمله آنگاه که در واکاوی سبب نزولی برآمده‌اند[3] یا آنگاه که در تأویل آیاتی کوشیده‌اند[4] و یا آن زمان که در فضای کاوش مصداق بارزی به سر برده‌اند،[5] توجه خویش را به این سنخ گزارش‌ها، معطوف داشته‌اند.

تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی ـ مفسر برجستهٔ امامی در سده چهارم هجری ـ نمونهٔ مناسبی برای کارکرد تفسیری است؛ وی کارکرد نخست تفسیری را در این اثر از خود به ثبت رسانده است.[6] مؤلف ذیل آیه‌های ﴿**سأل سائل بعذاب واقع* للکافرین لیس له دافع* من الله ذی المعارج**﴾[7] در بیان چرایی سبب نزول این آیه در مورد عمرو بن حارث فهری، پس از اعلان امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر، آفرینش نوری آن حضرت را محور کذاب و ساحر خواندن رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوی وی ـ که به بدفرجامی سخت وی و همراهانش انجامید ـ معرفی می‌کند؛ زیرا آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه السلام و همراهی خویش در آفرینش نوری با آن حضرت این‌گونه یاد نمود: «لقد خلقنا الله نوراً تحت العرش»

---

۱. بحرانی، *غایة المرام*، ۱۱۳/۱.
۲. همان، ۲۷/۱.
۳. فرات کوفی، *تفسیر*، ۵۰۴.
۴. حسینی، *تأویل الآیات*، ۱/ ۲۸۸ و ۲/ ۵۹۲. ابن عربی نیز در میان مفسران اهل سنت در تفسیر ﴿**وجعلناهم ائمة یهدون بأمرنا**﴾ (انبیا/۷۳) گزارش آفرینش نوری رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را به‌عنوان احتمالی در تأویل ابراهیمی بودن امامان علیهم السلام مطرح نموده است (ابن عربی، *تفسیر*، ۲/ ۴۱).
۵. مثلاً ر.ک: مشهدی، *کنز الدقائق*، ۲/ ۵۲۴.
۶. فرات کوفی، *تفسیر*، ۵۰۵ .
۷. معارج/ ۱ـ۳.

عمــرو بن حار[illegible] ساحر كذاب يا محمد، ألستما من ولد آدم؟». رسول خدا ﷺ نیز در پاسخ به وی، داده‌های بیش‌تری در مورد آفرینش نوری ارائه فرمود و عدم تنافی آن را با آنچه وی می‌پنداشت، نشان داد؛ که البته سودی نبخشید.[1]

گفتنی است که اگر چه مفسران امامی، گونه‌ای کارکرد تفسیری را از گزارش‌های مورد نظر در فضای آیهٔ مباهله ـ که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام به نفس رسول خدا ﷺ یاد می‌نمایند[2] ـ به ثبت نرسانده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد بتوان هم‌گرایی و ارتباط معناداری را از یکسانی ـ یا دست کم همراهی ـ نوری این دو معصوم علیهما‌السلام را در این آیه به‌تصویر کشید.[3]

▪ نتیجه

پــس از واکاوی برخی کارکردهای واژگانی نور، به این نتیجه رســیدیم که آفرینش نوری امیرالمؤمنین علیه‌السلام آفرینشــی غیر وابســته و پیشینی است و از لحاظ سطح فضیلت‌نمایی، در دستهٔ فضایل مشترک معصومان علیهم‌السلام و دســت‌نیافتنی، طبقه‌بندی می‌گردد. انعکاس درخور گونه مســند آن در پاره‌ای از آثار مکتوب محمدون ثلاث و نیز بسیاری از میراث‌های کهن امامی و پویایی طرق آن تا ربع اول قرن ششم، علاوه بر حکایت رواج آن در میراث مکتوب امامی و اهتمام عالمان برجســتهٔ مکاتب متنوع امامی ـ از جمله قم و بغداد ـ بدان سطحی از اتقان را نیز رقم زده است؛ اگرچه هجده طریق مجزا، از منظر دانش‌حدیث شناسی، خود تواتر واضحی از معصوم را در راســتای قطعیت صدور، نتیجه داده اســت. همچنین میراث مکتــوب امامی، علاوه بر انعکاس گزارش‌های مــورد نظر و نیز ارائهٔ رویکرد اثباتی عالمان امامــی بدان‌ها، جلوه‌گاه کارکردهایی چون کارکرد تاریخی، کلامی و تفســیری از ســوی عالمان آن، بوده است.

---

۱. فرات کوفی، *تفسیر*، ۵۰۴.

۲. آل‌عمران/ ۶۱ .

۳. ر.ک: میلانی، *تفضیل الأئمة علی الأنبیاء* علیهم‌السلام، ۱۳.

قرآن کریم

ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق.

ابن بابویه، علی بن حسین، *الامامة و التبصرة من الحیرة*، تحقیق مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول، قم، مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۴ق.

ابن بطریق، *خصائص الوحی المبین*، تحقیق مالک محمودی، اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷ق.

ـــــــــــ *العمدة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۷ق.

ابن جبر، علی بن یوسف، *نهج الإیمان*، تحقیق سید احمد حسینی، اول ، قم، مجتمع إمام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.

ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، *الموضوعات*، تحقیق عبد الرحمن محمد عثمان، اول، مدینه، المکتبة السلفیة، ۱۳۸۶ق.

ابن حنبل، احمد بن محمد، *فضائل الصحابة*، تحقیق وصی الله محمد عباس، اول، بیروت، مؤسسة الرسالة ،۱۴۰۳ق.

ابن داود، حسن بن علی، *رجال*، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، منشورات مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.

ابن دمشقی، محمد بن احمد، *جواهر المطالب فی مناقب الامام علی* علیه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، اول، قم، مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.

ابن سلامة، محمد، *مسند الشهاب*، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، اول، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.

ابن شاذان، محمد بن احمد، *مائة منقبة*، تحقیق مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشراف سید محمد باقر موحد ابطحی، اول، قم، مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ق.

ابن شهردار، شیرویه بن شهردار (إلکیا)، *الفردوس بمأثور الخطاب*، تحقیق سعید بن بسیونی زغلول، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، تصحیح وشرح لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.

ابن طاووس، علی بن موسی حلی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، اول، قم ، چاپخانه خیام، ۱۳۹۹ق.

ـــــــــــ، *الیقین*، تحقیق:انصاری، اول، قم، ناشر : مؤسسة دار الکتاب، ۱۴۱۳ق.

ابن عربی، محمد بن علی، *تفسیر ابن عربی*، تحقیق عبد الوارث محمد علی، اول، بیروت ، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.

ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله، *تاریخ مدینة دمشق وذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأماثل*، تحقیق محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵م.

ابن فتال، محمد، *روضة الواعظین*، قم، منشورات الشریف الرضی، بی‌تا.

ابن مردویه، احمد بن موسی، *مناقب علی بن أبی طالب* علیه السلام *وما نزل من القرآن فی علی* علیه السلام، دوم، دار الحدیث، ۱۴۲۴ق.

ابوسعید، عباد بن یعقوب عصفری، *اصل ابی سعید*، (چاپ شده در مجموعه *الأصول الستة عشر*)، دوم، ۱۴۰۵ق.

ابویعلی، احمد بن علی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث، بی‌تا.

اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، دوم، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۵ق.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام*، تحقیق سید علی عاشور، بی جا، بی تا، بی نا.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *التاریخ الصغیر*، تحقیق محمود إبراهیم زاید، اول، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.

ـــــــــــــــــــ، *التاريخ الكبير*، دياربكر تركيه، المكتبة الاسلامية، بى تا.
برقى، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقيق سيد جلال الدين حسينى، طهران، دار الكتب الاسلامية،١٣٧٠ق.
بروجردى، سـيد على، *طرائف المقال فى معرفة طبقات الرجال*، اول، تحقيق سـيد مهـدى رجائى، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى العامة، ١٤١٠ق.
حسـينى، سيد شرف الدين على، *تأويل الايات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة*، اول، قم، مدرسة الإمام المهدى، ١٤٠٧ق.
حسينى ميلانى، سيد على، *تفضيل الأئمة على الأنبياء* اول، قم، مركز الأبحاث العقائدية،١٤٢١ق.
ـــــــــــــــــــ *الشورى فى الإمامة*، اول، قم، مركز الأبحاث العقائدية،١٤٢١ق.
ـــــــــــــــــــ *محاضرات فى الإعتقادات*، اول، قم، مركز الأبحاث العقائدية ،١٤٢١ق.
ـــــــــــــــــــ *نفحات الأزهار فى خلاصة عبقات الأنوار*، اول، بى جا، چاپخانه مهر،١٤١٤ق.
حكيم، سيد محمد تقى، *الأصول العامة للفقه المقارن*، چ دوم، بى جا، مؤسسة آل البيت ،١٩٧٩م.
حلبى، على بن ابراهيم، *السيرة الحلبية* (انسان العيون فى سيرة الأمين المأمون)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ق.
حلى، حسن بن سليمان، *المحتضر*، تحقيق سيد على اشرف، نجف، المكتبة الحيدرية،١٤٢٤ق.
ـــــــــــــــــــ *مختصر بصائر الدرجات*، اول، نجف، المطبعة الحيدرية، بى تا.
حلى، حسـن بن يوسـف بن مطهر، *كشـف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين* ، تحقيق حسين درگاهى و حسن حسين آبادى، اول ، بى جا، بى نا، ١٤١١ق.
ـــــــــــــــــــ *نهج الحق و كشف الصدق*، قم، مؤسسة دار الهجرة، ١٤٢١ق.
حويـزى، عبدعلـى بن جمعة، *تفسـير نور الثقلين*، تحقيق سـيد هاشـم رسـولى محلاتى، چ چهارم، قم ، مؤسسـه اسماعيليان،١٤١٢ق.
خزاز، على بن محمد، *كفاية الأثر فى النص على الأئمة الاثنى عشر*، تحقيق سيد عبداللطيف حسينى كوه‌كمرى، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
خصيبى، حسين بن حمدان، *الهداية الكبرى*، چهارم، بيروت، مؤسسة البلاغ، ١٤١١ق.
خواجوئى مازندرانى، محمد إسماعيل بن حسين، *جامع الشتات*، تحقيق سيد مهدى رجائى، اول ، بى جا، بى نا، ١٤١٨ق.
خوارزمـى، موفـق بن احمد، *المناقب*، تحقيق مالك محمودى، دوم، قم، مؤسسـة النشـر الإسـلامى التابعة لجماعة المدرسين ،١٤١٤ق.
جديدى نژاد، محمدرضا، *معجم مصطلحات الرجال والدراية*، دوم، قم، دار الحديث للطباعة والنشر، ١٤٢٤ق.
ذهبى، محمد بن احمد بن عثمان، *ميزان الاعتدال فى نقد الرجال*، تحقيق على محمد البجاوى، اول، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر،١٣٨٢ق
راوندى، سـعيد بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، تحقيق مؤسسـة الإمام المهدى با اشراف محمد باقر موحد ابطحى، اول، قم ، مؤسسة الإمام المهدى، ١٤٠٩ق.
رى‌شهرى، محمد، *الحج والعمرة فى الكتاب والسنة*، اول، قم، دار الحديث، ١٣٧٦ش.
سبحانى، جعفر، *دروس موجزة فى علمى الرجال والدراية*، بى‌نا، نشر المَركز العالمى للدّراسات الاسلامية، بى‌تا.
شوكانى، محمدبن على، *الفوائد المجموعة فى الأحاديث الموضوعة*، تحقيق عبدالرحمن عوض، اول، بيروت، دارالكتب العربى، ١٤٠٦ق.

صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة،۱۴۱۴ق.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الأمالی*، اول، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
ـــــــــــــ *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسین،۱۴۰۳ق.
ـــــــــــــ *علل الشرائع*، نجف، منشورات المکتبة الحیدریة ومطبعتها، ۱۳۸۵ق.
ـــــــــــــ *فضائل الشیعة*، تهران، کانون انتشارات عابدی، بی‌تا.
ـــــــــــــ *کمال الدین وتمام النعمة*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۵ق.
ـــــــــــــ *معانی الأخبار*، اول، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین،۱۴۰۳ق.
صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تصحیح حسن کوچه باغی، طهران، منشورات الأعلمی،۱۴۰۴ق.
طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۷۴ش.
طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، دوم، بی‌جا، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
طبرسی، احمد بن علی بن ابی‌طالب، *الاحتجاج*، تحقیق سید محمد باقر الخرسان،، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، اول، قم، ۱۴۱۷ق.
طبرسی، علی، *مشکاة الأنوار*، تحقیق مهدی هوشمند، اول، بی جا، دار الحدیث، ۱۴۱۸ق.
طبری، محمد بن جریر بن یزید، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق نخبة من العلماء الأجلاء، چهارم، بیروت، موسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
طبری، محمد بن جریر بن رستم *دلائل الامامة*، تحقیق مؤسسة البعثة، اول، قم ، ۱۴۱۳ق.
ـــــــــــــ *المسترشد فی امامة أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب* علیه السلام تحقیق احمد محمودی، اول، قم، الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۵ق،
طبری، *نوادر المعجزات*، تحقیق : مؤسسة الإمام المهدی عجل الله فرجه، اول، قم، مؤسسة الإمام المهدی عجل الله فرجه، ۱۴۱۰ق.
طبری، *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*، تحقیق جواد قیومی، اول، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۲۰ق.
طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، اول، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
ـــــــــــــ *اختیار معرفة الرجال* (معروف برجال الکشی)، تحقیق میر داماد استرابادی و سید مهدی رجائی، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
طهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، سوم، بیروت، دار الاضواء، بی‌تا.
طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، پانزدهم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
عاصمی، عبد الملک بن حسین مکی، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
عاملی، *الانتصار*، اول، دار السیرة، بیروت،۱۴۲۲ق.
عاملی، زین الدین بن علی(شهیدثانی)، *الرعایة فی علم الدرایة*، تحقیق عبد الحسین محمد علی بقال، دوم، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.

عجلونی، اسماعیل بن محمد، *کشف الخفاء*، دوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
غفاری، علی اکبر، *دراسات فی علم الدرایة تلخیص مقباس الهدایة*، اول، تهران ، جامعة الإمام الصادق علیه السلام ۱۳۶۹ش.